



مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی

*امیر خواجه زاده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷

چکیده

در حال حاضر هیچ فعالیت اجتماعی را نمی توان یافت که مسئولیت مدنی در آن نقشی نداشته باشد و از جمله مواردی که می توان به حضور مسئولیت مدنی و قوانین مربوط به آن اشاره نمود، حوادث ناشی از کار در معدن است. چرا که وقوع حوادث ناشی از کار در معدن اجتناب ناپذیر است، پس اینکه مسئول حادثه در معدن کیست و به چه میزان در وقوع حادثه نقش داشته، بسیار مهم است. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ برای اولین بار احکام خاصی در مورد مسئولیت کارفرما ناشی از خساراتی که به اشخاص ثالث وارد می شود، مقرر نمود. عده ای از حقوقدانان که تحت تأثیر حقوق اروپا بوده اند بدون توجه به نظام حقوقی اسلامی مبنای تقصیر را به عنوان اصل پذیرفتند و در مقابل عده ای از حقوقدانان نیز مبنای مسئولیت مدنی کارفرما را نظریه خطر می دانستند. این مقاله حکایت از آن دارد که مبنای مسئولیت مدنی کارفرما در برابر شخص ثالث نه فرض تقصیر است نه نظریه خطر؛ بلکه با توجه به ظرفیت های موجود در فقه و حقوق ایران مبتنی بر نظریه تضمین حق است. قانون کار ایران، آیین نامه حفاظت فنی کار و همچنین آیین نامه ایمنی در معادن دارای برخی مقررات حمایتی است و این حمایت برای طرف ضعیف، یعنی کارگر در نظر گرفته شده است. در این مقاله به بررسی مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، کارفرما، کارگر، قانون کار، حادثه، معدن، قوه قاهره.

مقدمه

حوادث کارگری به طور عام و در این مقاله حوادث معدن به طور خاص به سه صورت قابل فرض است، اولین مورد ناشی از سهل‌انگاری و تخلف از ضوابط قانونی توسط کارفرما در مقابل کارگر و بابت خسارت‌هایی که به کارگر و یا در مقابل اشخاص ثالثی که از فعالیت کارگر خسارت می‌بینند و دوم در نتیجه تقصیر از سوی کارگر است که در صورت انجام تکالیف قانونی توسط کارفرما و بروز خسارت در اثر فعل کارگر قابل اثبات می‌باشد و سومین حالت در صورت اجتماع کارگر و کارفرما بصورت توأم می‌باشد. در هر صورت چنانچه قوه قاهره علت عمده وقوع حادثه باشد موجب رفع مسئولیت از کارفرما می‌گردد.

۲- مبانی مسئولیت کارفرما در خسارات وارده

همان‌گونه که می‌دانیم هر کس مسئول اعمال خود شناخته می‌شود و هیچ کس نباید به خاطر عمل دیگری مورد بازخواست قرار بگیرد. اما این اصل به دلیل مصلحت‌های اجتماعی و پیشرفت‌های صنعتی با استثنائاتی روبرو شده است تا آنجا که شخص بدون دخالت در ایجاد خسارت، مسئول جبران خسارت عمل دیگری است. از آنجایی که هیچ ضرری نباید بدون تدارک بماند و قانون‌گذار به منظور تدارک ضرر زیان‌دیده و جلوگیری از بی‌عدالتی، تمام کسانی را که به گونه‌ای در زنجیره ایجاد خسارت قرار داشته‌اند، مسئول می‌داند؛ گاهی اولیای طفل را به بهانه وجود حق تربیت مسئول اعمال اطفال می‌داند و گاهی مریمان او را به بهانه وظیفه نگهداری از او این گونه مسئولیت‌ها تحت عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر شناخته می‌شوند و مصداق بارز آن نیز مسئولیت کارفرما نسبت به خسارت وارده از سوی کارگزارانش است. به همین دلایل مصلحت و پیشرفت، ما نیاز به وجود قانونی داشتیم که بتواند عرصه‌های جدیدی را در مسئولیت مدنی باز کند و قانون ما را در این زمینه غنی سازد. (بهرامی

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۷۳

احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹۱) شاید به همین دلایل قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید. اما باید دید علت و انگیزه ایجاد این نوع مسئولیت چه بوده است. در این زمینه، نظریان و دکترین های مختلفی از جانب حقوقدانان ارائه شده است که با بیان هر یک، مبنای مسئولیت کارفرما را نسبت به آن می‌سنجیم.

۲-۱- نظریه تقصیر

بر این اساس معیار تشخیص برای مسئولیت فرد، رفتار تقصیر کارانه او و وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر است. پس برای اینکه زیان دیده بتواند خسارت خود را از دیگری بخواهد باید ثابت کند که تقصیر او (واردکننده ضرر) سبب ایجاد خسارت شده است. در مسئولیت قراردادی، زیان دیده فقط باید عدم انجام تعهد را اثبات کند اما در مسئولیت قهری زیان دیده باید تقصیر را اثبات کند. باید دید مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر براساس این نظریه چگونه قابل توجیه است. در این مورد حقوقدانان با اضافه نمودن قیودی، نظریات تقصیر ناشی از سوء انتخاب کارگر، تقصیر ناشی از سوء مراقبت اعمال کارگران و تقصیر در زمینه وسایل کار را مبنای مسئولیت کارفرما شناخته‌اند. براساس نظریه تقصیر ناشی از سوء انتخاب کارگر، کارفرمایان موظفند در انتخاب کارگران نهایت دقت و مراقبت را به کار گیرند و تقصیر در انجام این وظیفه باعث مسئولیت آنها می‌شود. ربرت ژوزف حقوقدان فرانسوی نیز معتقد به این نظر می‌باشد و کارفرما را به دلیل سوء انتخاب، مسئول جرم یا شبه جرم کارگرانش دانسته است و بر این عقیده است که کارفرما حتی در مواردی که به دلیل عدم حضور خود قادر به جلوگیری از جرم یا شبه جرم کارگران خویش در اجرای کار نباشد، در مقابل عمل آنها مسئولیت دارد و مسئولیت وی از باب الزام به انتخاب کارگران شایسته می‌باشد. (خزائلی، ۱۳۳۹: ۴۹) قانون مسئولیت مدنی نیز در ماده ۱۲ می‌گوید که: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به

۲۷۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

عمل آورده است یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید». عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که در این ماده برای کارفرما فرض تقصیر شده است؛ بدین صورت که خسارت وارده به علت اهمال کارفرما در انتخاب کارگر یا به علت سوء مراقبت از او بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۳۷) اما نمی‌توان گفت که در این ماده به طور کامل از نظریه تقصیر در انتخاب کارگر پیروی شده است. چرا که اولاً در این صورت باید کارفرمای فاقد تمییز که قدرت تشخیص ندارد، مسئول عمل کارگر خود نباشد؛ در حالی که ماده ۱۲ همه کارفرمایان مشمول قانون کار را مسئول قلمداد می‌کند. ثانیاً براساس این نظریه، مسئولیت کارفرما یک مسئولیت شخصی است که در نتیجه تقصیر خود او به وجود آمده است و در نتیجه نه متضرر و نه کارفرما حق رجوع به کارگر را ندارند در حالی که این چنین نیست و هم متضرر می‌تواند مستقیماً به کارگر رجوع کند و هم حق رجوع کارفرما به کارگر مقصر در ماده ۱۲ قانون مذکور پیش‌بینی شده است. بنابراین نمی‌توان مسئولیت کارفرما را بر مبنای تقصیر در انتخاب توجیه کرد. نظریه تقصیر را با توجیه دیگری می‌توان مبنای مسئولیت کارفرما دانست به این صورت که مبنای مسئولیت کارفرما را تقصیر وی در مراقبت یا نظارت بر اعمال کارگران دانست. یکی از حقوقدانان انگلیسی در این مورد می‌گوید: کارفرما برای کلیه تقصیرات و جرایم مدنی کارگران خویش که صراحتاً از آنها ممانعت نکرده باشد، مسئولیت خواهد داشت. وی در جای دیگری علت مسئولیت را این می‌داند که این اعتماد وجود دارد که وی مواظب درستی اعمال کارگانش است. فرض بر این است که کارفرما مراقبت لازم را از اعمال کارگر به عمل می‌آورد، چرا که کارفرما در مقابل کارگر نادرست می‌تواند نظارت و مراقبت جدی به عمل آورد. با این حال همان ایراداتی که بر نظریه سوء انتخاب وارد بوده در اینجا نیز مصداق دارد. بنابراین این توجیه نیز نمی‌تواند مبنای مسئولیت کارفرما را روشن کند، حتی با جمع این دو نظریه نیز نمی‌توان ایرادات آن را پوشاند. چرا که

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۷۵

مسأله مسئولیت کارفرمای فاقد تمیز و حق مراجعه متضرر به کارگر همچنان لاینحل باقی می ماند. (خزائلی، ۱۳۳۹: ۳۸)

۲-۲- نظریه تقصیر ناشی از سوء انتخاب کارگر

بعضی از حقوقدانان، تقصیر در انتخاب کارگر شایسته را سبب مسئولیت کارفرما دانسته اند و گفته اند که کارفرما به دلیل عدم دقت در انتخاب کارگران خود مسئول می باشد. پوتیه نیز معتقد است کارفرما به دلیل سوء انتخاب، مسئول جرم و شبه جرم کارگرانش است؛ ولی چنانچه کارفرما دقت و احتیاط لازم را در انتخاب کارگران شایسته اعمال نماید با توجه به اینکه در حقوق فرانسه و ایران فرض تقصیر شده است، این نظریه نمی تواند مبنای مناسبی باشد. از سوی دیگر صغیر یا مجنون بودن کارفرما مسئولیت وی را سلب نمی کند و در صورتی که بر مبنای مسئولیت کارفرما تقصیر ناشی از سوء انتخاب کارگر باشد، چگونه می توان کارفرمای صغیر یا دیوانه را که فاقد قدرت درک و شعور است به دلیل تقصیر در انتخاب، مسئول شناخت. (احمدوند، ۱۳۸۴: ۱۲)

۲-۳- تقصیر ناشی از سوء مراقبت از عمل کارگر

طبق این نظریه چون کارفرما از حقوق لازم جهت مراقبت و نظارت بر اعمال کارگران خود برخوردار است و بر آنها تسلط کامل دارد، مسئول اعمال آنان می باشد. این نظریه را برتراند بیان کرده است و حقوقدانی انگلیسی نیز به نام «Blackstone» معتقد است؛ بطوری که می گوید: «کارفرما برای کلیه تقصیرات و جرائم مدنی کارگران خویش که صراحتاً از آنها ممانعت نکرده است مسئولیت دارد».

با اطمینان می توان گفت که نظریه تقصیر در مراقبت بر نظریه سوء انتخاب، برتری دارد چرا که در این نظریه رابطه تابع و متبوعی بین کارگر و کارفرما در نظر گرفته شده است و کارفرما در مقابل اعمال خلاف کارگر می تواند نظارت جدی اعمال نماید و از اعمال نادرست و زیانبار وی جلوگیری نماید.

در رویه قضایی انگلستان مواردی یافت می شود که براساس ضابطه، کنترل کارفرما نسبت به اعمال و رفتار کارکنان، مسئولیت نیابتی دارد. برای مثال پرونده کسیدی علیه

۲۷۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

وزارت بهداشت که در آن صدمه‌ای بوسیله غفلت حاصل از عملکرد کارکنان حرفه‌ای بیمارستان به مصدومی وارد شده بودو دادگاه حکم داد که بیمارستان مسئولیت نیابتی در قبال غفلت حرفه‌ای کارکنان را خود دارد؛ گرچه پزشک یا پرستار و یا اتاق جراحی مقصر باشند. البته بر این نظریه ایرادی وارد است که سوء مدیریت و عدم کنترل را به کارفرمای صغیر یا محجور نمی‌توان نسبت داد. بنابراین صغیر و محجور بایستی معاف شناخته شوند. کارفرما در قبال متضرر مسئولیت شخصی خواهد داشت نه مسئولیت نیابتی، یعنی در آن صورت کارفرما حق رجوع به کارگر مقصر خویش پس از پرداخت خسارت را نخواهد داشت، حال آنکه چنین حقی به وی داده شده است. (احمد وند، ۱۳۸۴: ۱۳)

۲-۴- نظریه خطر

تا اواخر قرن نوزدهم، علمای حقوق فقط عنصر تقصیر را لازمه ایجاد مسئولیت مدنی می‌دانستند اما توسعه قابل توجه ماشینیسیم جان بشر را به صورت بی‌سابقه‌ای تهدید نمود. در نتیجه حقوقدانان و محاکم متوجه آن شدند که با یک سیستم حقوقی که منحصر بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد بی‌عدالتی‌های بسیاری به وجود خواهد آمد. بنابراین این فکر به وجود آمد که در برخی موارد بدون تقصیر هم مسئولیت ایجاد شود. به نظر این گروه در دنیای صنعتی مواردی پیش می‌آید که نمی‌توان گفت که تقصیر خواننده سبب وقوع زیان بوده است زیرا نمی‌توان به طور قطع ادعا نمود که هر گاه تقصیر وی نبود، ضرر هم واقع نمی‌شد. در این فرضیه گفته می‌شود که هر کسی که به فعالیتی بپردازد محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد و چنین کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند. به عبارت دیگر برای مسئول دانستن شخص نیازی نیست که او در انجام عمل خسارت بار حتماً مرتکب تقصیری شده باشد بلکه همین که از عمل خطرآفرین او خسارتی به بار آید خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیری شده یا نشده باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران نماید. نظریه خطر به جهت آنکه خواننده را حتی بدون تقصیر

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۷۷

و رفتار قابل سرزنشی مسئول می شناسد مورد انتقاد قرار گرفته است. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۲: ۴۰) در انتقاد از نظریه خطر گفته می شود: آثار هیچ یک از اعمال انسان تنها دامنگیر خود او نمی شود و بازتاب هایی درباره دیگران نیز دارد، به جمعی سود می رساند و برای دیگران زیانبار است. ولی این آثار نتیجه قهری زندگی اجتماعی است. در جنگ بزرگ زندگی هیچ کس نمی تواند به خود ببالد که به دیگران زبانی نرسانده است. تمام برتری های مادی و معنوی به بهای تضرر دیگر به دست می آید. این ستیز دائمی ناشی از طبیعت زندگی است. پس نمی توان اضرار به دیگری را به تنهایی سبب ایجاد تعهد برای جبران آن شناخت. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۵) از این رو عده ای با قرار دادن کار نامتعارف به عنوان مبنای مسئولیت، سعی کرده اند نظریات تقصیر و خطر را تعدیل کنند. در واقع کار نامتعارف ضمن اینکه به شدت و غلظت «تقصیر» نیست، نوعی بی مبالاتی است و گامی در جهت نظریه ایجاد خطر و نظریه ای بینابین و مختلط می باشد. در ماده ۱۳۲ قانون مدنی آمده است: «کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

۲-۵- نظریه نمایندگی

براساس این نظریه چون کارگر به نمایندگی از سوی کارفرما انجام وظیفه می نماید پس عمل وی در راستای عمل کارفرما قرار می گیرد. با توجه به اینکه نوعی وحدت شخصیت بین کارفرما و کارگر وجود دارد، بدین لحاظ کارفرما مسئول اعمال خویشتن است، به عبارت دیگر چون کارگر و کارمند برای کارفرما عمل می کنند، نماینده او در فعالیتهای کارگاه محسوب می شوند. بدین نحو اعمال کارکنان در حکم اعمال کارفرما تلقی می شود و خطای کارگر و یا کارمند، خطای کارفرما تلقی خواهد شد. لازم به ذکر است که قائلین به نظریه نمایندگی (خزائلی، ۱۳۳۹: ۴۴) در برابر حق مراجعه کارفرما به کارگر مقصر، اظهار کرده اند که وحدت شخصیت کارگر و کارفرما صرفاً در قبال اشخاص اعتبار دارد لیکن در رابطه بین آنها چنین وحدتی در بین نیست.

۲۷۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

بر این نظریه نیز اشکالاتی وارد است:

- ۱- اتحاد کارگر و کارفرما امری فرضی و بدیهی است. بر امور فرضی نمی‌توان آثار حقوقی مترتب ساخت.
- ۲- چنانچه عنوان کارگر و کارفرما یکی باشد، کارفرما حق ندارد به کارگر رجوع کند زیرا مراجعه به کارگر رجوع به خود است و این امر غیر منطقی است.
- ۳- چنانچه کارفرما جانشین کارگر گردد، تقصیر سنگین کارفرما محسوب می‌شود و با توجه به اینکه مطابق قانون بیمه، شخص حق ندارد خود را در قبال تقصیرات سنگین بیمه کند، بنابراین نباید بیمه کارگر در مقابل تقصیرات سنگین پذیرفته شود. حال آنکه این مجوز از سوی قانون بیمه ایران به کارفرما اعطاء شده است. از سوی دیگر خطا امری کاملاً شخصی است و قابلیت نمایندگی ندارد و این نظریه با اساس مفهوم نمایندگی، آنگونه که در اعمال حقوقی مطرح می‌شود، در تعارض است. (احمد وند، ۱۳۸۴: ۱۸)

۲-۶- نظریه تضمین حق

اما در پاسخ به ایرادی که بر نظریه خطر مطرح شد، عده‌ای نظریه تضمین حق را مطرح کرده‌اند. طرفداران این نظریه برخلاف طرفداران نظریه‌های قبلی به جای توجه و ارزیابی کار فاعل زیان، به منافع از دست رفته زیان‌دیده و حقوق تضییع شده او توجه داشته و همت خویش را در تضمین حقوق وی مصروف داشته‌اند. به موجب این نظریه هر کسی در اجتماع حق دارد سالم زندگی کند و از دارایی خود نفع ببرد. بنابراین کسی که از حقوق خود تجاوز نماید و سبب از بین رفتن حق دیگری شود، مسئول جبران شناخته می‌شود. (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۵۲) بر این اساس کارفرما باید از عهده جبران خسارت زیان وارده از ناحیه کارگر خود به شخص ثالث برآید، چرا که کارگران معمولاً از امکانات مالی برخوردار نیستند و از طرفی هم کارفرما از کارهای او سود می‌برد و به مقتضای عدالت و قانون ضرر زیان‌دیده نباید بدون جبران باقی بماند، از این بابت

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۷۹

کارفرما در مقابل اشخاص ثالث، کارگر را ضمانت می کند و مسئولیت او به عنوان ضامن کارگر توجیه می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۳۹)

به نظر می رسد با پذیرفتن این توجیه شاید بتوان گفت که این نظریه بهترین نظریه برای توجیه مبنای مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر، در حقوق ایران می باشد. چرا که ایرادات وارده به نظریات قبلی در این نظریه وجود ندارد و ایراداتی نیز که بیان شد، به طریقی پاسخ داده شد. همچنین، اینکه در حقوق ما براساس فقه اسلامی ضمان نقل ذمه به ذمه است و با توجه به ماده ۱۲ ق.م.م، کارفرما در همه حال مسئول جبران خسارات وارده از ناحیه کارگر می باشد. یعنی با انعقاد قرارداد کار، ذمه کارگر از این جهت کاملاً به کارفرما منتقل می شود. نظریه تضمین حق نسبت به نظریه خطر و تقصیر با توجه به اینکه فقه اسلامی بیش از هزار سال قبل، مبنایی غیر از تقصیر برگزیده است و با عنایت به اینکه مطابق اصل ۴ ق.ا. نیز قوانین ایران باید منطبق بر حقوق اسلامی باشد، با مبنای فقهی و حقوقی ما سازگاری بیشتری دارد و در وضع پاره ای از قواعد حقوقی کشور ما از جمله مسئولیت های ناشی از غصب و تعدی و تفریط امین که در بعضی مواقع ممکن است مستند به عمل شخص مسئول نباشد، تأثیر مستقیم داشته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۳) شاید بتوان ماده ۱۲ ق.م.م. را نیز از این جمله دانست. این ماده نه می تواند براساس نظریه خطر و نه براساس نظریه تقصیر تفسیر شود و کاملاً جنبه استثنایی دارد. در واقع، مقنن بر مبنای تضمین حق چنین مسئولیتی را برای کارفرما قرار داده است. یکی از اساتید حقوق فرانسه نیز در کتاب مسئولیت مدنی خود می گوید که مبنای مسئولیت کارفرما را باید خارج از نظریه های خطر و تقصیر جستجو کرد. وی معتقد است که بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، نوعی تضمین خصوصی را پیش بینی کرده که خارج از هر سیستم دیگری است. (لورسا، ۱۳۷۵: ۷۹) در حقوق مصر نیز عده ای از جمله دکتر سنهوری، این مبنا را برای توجیه مسئولیت مدنی کارفرما مناسب حقوق مصر می دانند. (سنهوری، ۱۳۸۵: ۱۰۴۸) بنابراین از نظر نگارنده، مبنای مسئولیت مدنی کارفرما در قبال خسارات کارگر نه نظریه خطر است، نه نظریه تقصیر؛

۲۸۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

بلکه مبنای مسئولیت در این مورد نظریه تضمین حق است. شایان ذکر است که نظریه تضمین حق نیز به سوی مسئولیت موضوعی و بدون تقصیر گرایش دارد و نشان دهنده ضرورتی است که دانشمندان حقوق در رها شدن از حصار نظریه تقصیر احساس می‌کنند و به تدریج، به نظریه نفي ضرر نزدیک می‌شود، نظریه تقصیر با تحولات اجتماعی و علمی و صنعتی جدید سازگاری ندارد و حقوقدانان به اشکال مختلف سعی در شکستن این قالب دارند. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۷۳)

۳- مسئولیت مدنی کارفرما در مقابل کارگران و اشخاص ثالث در فعالیت‌های

معدنی

نقض تعهدات قراردادی نوعی تقصیر است و در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، برای رها شدن از نقض عهد (تقصیر) باید حادثه خارجی غیرقابل انتساب به متعهد (کارفرما) ثابت شود و صرف اینکه متعهد تقصیری نداشته کافی نیست و مسئولیت ناشی از نقض عهد متوجه او خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۴۶)

یک نظر این است تعهد کارفرما دایر بر تأمین ایمنی و بهداشت محیط کار جنبه قراردادی دارد. زیرا کارفرما در قرارداد کار به طور ضمنی متعهد است ایمنی کارگران را تأمین کند. این تعهد ضمنی را می‌توان به همه نظام‌های حقوقی نسبت داد و از پذیرش آن سخن گفت.

در ماده ۹۵ قانون کار نیز از مسئولیت اجرای برخی تعهدات یاد شده و این مسئولیت همراه با قرارداد کار می‌باشد.

با توجه به اینکه تحول کنونی حقوق گرایش به این دارد که دو شکل سنتی مسئولیت مدنی را که عبارتند از مسئولیت مدنی در معنای خاص و مسئولیت قراردادی، به یکدیگر نزدیک سازد. این دو شکل همچنان باقی هستند، بنابراین لازم است قلمرو هر یک از دو نوع مسئولیت تعیین شود. مسئولیت کارفرما نسبت به کارگر یک نوع مسئولیت قهری باشد نه قراردادی. همچنین می‌توان گفت در واقع مسئولیت کارفرما در

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۸۱

این زمینه ناشی از نقض تکالیف عام قانونی است که در قانون کار و سایر مقررات بر سر کارفرما پیش بینی شده است.

تعهدات کارفرما در آنچه که مربوط به جلوگیری از حوادث کار می شوند می توان از مجموع مقررات مختلفی استخراج کرد. مواد ۸۵، ۹۵ الی ۱۰۵ و ۱۷۱ و ۱۸۴ قانون کار، مواد ۳۶ و ۶۶ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۱۲ قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی (۱۳۸۶)، از اهم این مقررات می باشند. هر چند تعهد اصلی کارفرما به حفظ ایمنی کارگران مربوط می شود؛ اما اگر بخواهیم دقیق تر به مسأله بنگریم باید این تعهد را بین سه تعهد دیگر سرشکن کرد: تعهد به انتخاب کارگر و پیمانکار مناسب، تعهد به ایمنی محیط کار و سرانجام تعهد به بیمه کردن کارگران. (بادینی، ۱۳۹۱: ۲۹)

۴- شرایط تحقق مسئولیت مدنی کارفرما در مقابل کارگران معدن

شرایطی چند، اسباب تحقق مسئولیت برای کارفرماست.

ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی که اولاً برخلاف ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که در مقام بیان مسئولیت کارفرما ناشی از خسارت مستقیم وارده به غیر، ناشی از عمل کارگر می باشد. در مقام بیان مسئولیت کارفرما یا نماینده وی ناشی از خسارتی است که در نتیجه ورود به کارگر به سازمان تأمین اجتماعی وارد می شود که این نوع زیانها در مسئولیت مدنی تحت عنوان «زیان کمانه کرده» و «زیان بازتاب یافته» نامیده می شود. (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

۵- شرایط تحقق مسئولیت مدنی کارفرمای معدن در برابر اشخاص ثالث

برای اینکه کارفرما مسئول شناخته شود علاوه بر وجود شرایط عمومی مسئولیت یعنی ضرر، عمل زیانبار و رابطه سببیت بین این دو که در کلیه موارد مسئولیت مدنی می باشد وجود شرایط مندرج در ماده ۱۲ ق.م.م. نیز ضروری است. در این ماده، دو شرط برای مسئولیت مدنی کارفرما بیان شده است؛ اولاً: کارفرما مشمول قانون کار

۲۸۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

باشد. از سوی دیگر، طبق قسمت اخیر ماده ۱۲ ق.م.م. کارفرما پس از جبران خسارت اشخاص ثالث تحت شرایطی خاص می‌تواند به واردکننده خسارت مراجعه کند. ماده ۱۲ ق.م.م. تصریح می‌دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده است یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود، مراجعه نماید». همان گونه که در خود ماده نیز آورده شده است، عمل زیانبار وقتی باعث مسئولیت می‌شود که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی، ناپسند جلوه کند. وجود این عنصر در بعضی از مبانی مسئولیت ضروری و لازم است اما در برخی از مبانی مسئولیت وجود آن ضروری به نظر نمی‌رسد. در کشورهایی که نظام حقوقی آنها مبتنی بر تقصیر است، تقصیر همین ناپسند بودن است ولی در بعضی کشورها از جمله کشورهای اسلامی که نظام حقوقی آنها مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر است، ورود ضرر، وجود فرد و رابطه سببیت کافی است. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) ماده ۱۲ ق.م.م. برای مسئول شناختن کارفرما تحقق تقصیر را لازم ندانسته است. برای مثال، هنگامی که کارگر دستورات اشتباه داده باشند که باعث بروز خسارت شود باید گفت عمل زیانبار کارگر ناشی از تقصیر او نیست.

۵-۱- الزام به شناخت کارفرمایان مشمول قانون کار

ماده ۱۲ ق.م.م. کارفرمایانی را که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خسارت وارده به اشخاص ثالث ناشی از عمل کارگران می‌داند. بنابراین باید کارفرمایان مشمول قانون کار را بشناسیم. در نگاه اول و به صورت منطقی، باید گفت که قاعدتاً تمام کارفرمایان مشمول قانون کار می‌باشند. اما از آنجا که هیچ اصلی بدون استثنا وجود

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۸۳

ندارد باید گفت گذشته از اصل کلی که هر کارفرمایی را مشمول قانون کار می‌داند، بعضی از موارد توسط خود قانون کار از شمول مقررات قانون کار خارج شده‌اند.

۵-۲ - ورود خسارات به مناسبت انجام کار در معدن

تحمیل مسئولیت به کارفرما خلاف اصل بوده و صحیح نیست. زیرا با هدف مقنن منافات دارد. با این توصیف، باید گفت که عبارت «در حین انجام کار» به نحو مضیق مورد تفسیر قرار می‌گیرد و کارفرما وقتی مسئول است که کارگر در حیطه کارهای محوله به خود سبب ورود خسارت به دیگری شده باشد. بنابراین در صورتی که کارگر از حدود وظیفه خود تجاوز کرد، خود کارگر را باید شخصاً مسئول دانست. زیرا در مواقع شک، اصل را باید اجرا کرد و اصل در اینجا مسئولیت شخصی خود کارگر است. در مورد اعمال به مناسبت انجام کار می‌توان گفت اموری که موقعیتی را فراهم کند تا کار محوله انجام شود و رابطه متعارف با کار محوله داشته باشد، اعمال به مناسبت انجام کار تلقی خواهد شد. البته این امور در حکم زمانی است که کارگر به کار اصلی خویش پرداخته است. برای مثال، اموری که در زمان عادی رفت و برگشت کارگر انجام می‌شود، از جمله مناسبت‌های کاری به حساب می‌آید. بعضی دیگر گفته‌اند چنانچه علت تقصیر کارگر ناشی از شغل وی باشد، کارفرما مسئولیت دارد و چنانچه شغل وی صرفاً موجب تسهیل تقصیر و خسارت گردیده باشد، کارفرما مسئولیت ندارد. در رابطه با این نظریه، چنین ایراد وارد شده است که؛ اولاً: تشخیص دو مورد فوق از هم، کار تقریباً غیرممکنی است و در ثانی: سلب مسئولیت از کارفرما در صورتی که شغل محوله به نفع او انجام می‌شود و سبب تسهیل خسارت شود، برخلاف عدالت خواهد بود. (خزائلی، ۱۳۳۹: ۹۰) باید گفت همیشه تمییز بین موردی که ضرر به مناسبت انجام وظیفه وارد شده باشد یا کارگر، به استقلال، عامل آن است، آسان نخواهد بود. مثلاً اگر کارگری جهت تعمیر دستگاه آن را روزانه به تعمیرگاه ببرد و در این بین، خسارتی به غیر وارد کند، عمل به مناسبت انجام کار محسوب خواهد شد، اما در همین فرض، اگر وی اعمال لازم را در روشی غیرمعمول و مطلوب انجام دهد یا مثلاً برای رسانیدن

۲۸۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

وسیله به تعمیرگاه از مسیر انحرافی و غیرمجازی عبور کند، آیا می‌توان عمل مربوطه را به مناسبت انجام کار دانست؟ به نظر می‌رسد در اینجا، بایستی به انگیزه کارگر توجه خاصی مبذول گردد، در صورتی که اعمال وی برای خواسته‌های شخصی او نباشد، نمی‌توان اعمال وی را جدا از مناسبت‌های کاری شناخت، هر چند او تقصیر کرده، خود، مسیر انحرافی را پیش گرفته باشد، چه برابر ماده ۱۲ ق.م.م. کارفرما هم در قبال اعمال مقصرانه و هم اعمال بدون تقصیر کارکنانش مسئول می‌باشد. اما در صورتی که انتخاب مسیر انحرافی به جهت انجام امور شخصی خود وی باشد چون عمل مربوطه به مناسبت انجام کار نبوده بلکه جلب منافع شخصی در بین بوده است، کارفرما مسئولیتی ندارد. در حقوق کشورهای دیگر نیز به این مسأله توجه شده است و معمولاً انگیزه‌های جلب منافع شخصی همانند دنبال خوشی خود بودن را جدا از حین کار یا به مناسبت انجام کار شناخته‌اند. (Francis, ۱۹۳۹:۱۴۵)

پرسش دیگری که ممکن است ایجاد شود این است که چنانچه کارگر در شغل محوله سوءاستفاده نموده و سبب خسارت دیگری شود، آیا کارفرما مسئول است یا خیر؟ در این مورد حقوقدانان معتقد هستند کارفرما در صورتی مسئول است که متضرر اطلاعی از سوءاستفاده کارگر نداشته باشد. مثلاً در جایی که راننده‌ای بدون کسب مجوز از کارفرمای خود کسی را دعوت به سوار شدن به خودروی خود کند و فرد مزبور به گمان اینکه رانندگی با خودروی تحت نظارت و مراقبت کارفرماست، سوار شود و حادثه‌ای رخ دهد، زیان‌دیده مغرور شده و خسارت او ناشی از غرر است و کارفرما به دلیل غرور مسافر مسئولیت دارد. (خزائلی، ۱۳۳۹: ۸۴)

اما به نظر می‌رسد ایرادی به این نظر وارد است که چنانچه سوءاستفاده کارگر به گونه‌ای باشد که رانندگی وی را نتوان در حین انجام کار یا به مناسبت انجام آن دانست، چگونه می‌توان کارفرما را مسئول قلمداد کرد! تردیدی نیست که کارفرما صرفاً در قبال اعمالی که صراحتاً یا ضمناً توسط وی مجاز دانسته شده، مسئول است؛ در غیر این صورت، چنانچه خودرو متعلق به کارفرما در اختیار کارگر باشد و او غیر از

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۸۵

مناسبت های کاری، فردی را سوار کند، باید گفت کارفرما هیچ گونه مسئولیتی نخواهد داشت، هر چند زیان دیده مغرور شده باشد و در اینجا کارگر مسبب خسارت مسئولیت شخصی خواهد داشت. بنابراین با توجه به مطالب بالا می توان گفت در صورتی کارفرما مسئول است که کارفرما اجازه انجام عمل را به طور صریح یا ضمنی به کارکنان خویش داده باشد و همچنین رابطه عرفی بین عمل و خسارت موجود باشد و در هر حال چنانچه کارگر خارج از حدود وظایف خویش عمل کرده باشد، عمل مزبور را نمی توان در حین کار یا به مناسبت انجام کار دانست. با توجه به آنچه در ماده ۱۲ ق.م.م. وجود دارد باید گفت فرض قانون گذار در خصوص مسئولیت اعمال کارگران و کارکنان اداری در حین انجام کار یا به مناسبت انجام آن در حالتی است که کارفرما نتواند ثابت کند احتیاط های لازم را در شغل خود به عمل آورده یا اگر احتیاط های لازم را نیز به عمل می آورد، باز هم جلوگیری از ورود زیان ممکن نبود. در غیر این صورت، با توجه به اصل مسئولیت شخصی، کارفرما معاف از مسئولیت شناخته می شود. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۷۹)

۶- تأثیر قوه قاهره بر مسئولیت کارفرما در حوادث معدن

در قانون مدنی ایران، از قوهی قاهره تعریفی به عمل نیامده است و در مادهی ۲۶۴ ق.م. فقط طرق سقوط تعهد پیش بینی شده است؛ ولی در مواد مختلف صریحا یا تلویحا به آن اشاره شده است. در قانون مدنی فرانسه نیز تعریفی از قوهی قاهره دیده نمی شود و فقط مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ این قانون به قوهی قاهره به عنوان عامل رفع مسئولیت اشاره کرده است مادهی ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه مقرر می دارد؛ «متعهد خواه به علت عدم انجام تعهد خواه به علت تأخیر در اجرای تعهد، وقتی محکوم به تادیه خسارت می شود که نتواند ثابت کند عدم اجرای تعهد در نتیجه یک علت خارجی بوده که نمی تواند مربوط به او نمود. همچنین می باید هیچ سوءنیتی از جانب او وجود نداشته باشد». مادهی ۱۱۴۸ قانون مدنی همان کشور نیز اشعار می دارد که متعهد وقتی

۲۸۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

بر اثر قوه‌ی قاهره یا حادثه‌ی غیر مترقبه، نتواند به تعهد خود عمل کند یا مجبور به انجام عمل شود که بر او ممنوع است، از تأدیه خسارت معاف می‌گردد. همان طور که ملاحظه می‌شود مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران ملهم از دو ماده فوق‌الذکر قانون مدنی فرانسه است. چه طبق ماده‌ی ۲۲۷ ق.م. متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم اجرای تعهد به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود. طبق ماده‌ی ۲۲۹ ق.م. نیز اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد.

اصطلاح قوه‌ی قاهره که ترجمه‌ی واژه‌ی فرانسوی فورس ماژور می‌باشد، در برخی قوانین کشورمان به صراحت یا به اشاره از آن استفاده شده است.^۱ این واژه به ظاهر برای نخستین بار در قانون مدنی فرانسه به کار رفته و سپس کشورهای دیگر از همین اصطلاح یا ترجمه‌ی آن استفاده کرده اند.

بنابراین قوه‌ی قاهره به معنی اعم، هر حادثه یا علتی است که نسبت به متعهد خارجی بوده و قابل پیش‌بینی و دفع نیز نباشد و از اجرای تعهد جلوگیری نماید و یا سبب ورود زیانی گردد و به معنی اخص، حادثه‌ای است که ناشی از قوای طبیعی بوده و انسان در وقوع آن دخالتی نداشته است و در عین حال غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب می‌باشد.

۶-۱- اوصاف قوه‌ی قاهره

در قانون مدنی ایران مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ اوصاف قوه‌ی قاهره را برشمرده است. از ماده‌ی ۲۲۷ وصف خارجی بودن قوه‌ی قاهره و از ماده‌ی ۲۲۹ وصف غیر قابل دفع بودن آن استنباط می‌شود. یکی دیگر از اوصاف قوه‌ی قاهره این است که حادثه

^۱ ماده‌ی ۱۵۰ قانون دریایی از «قوه قهریه» و ماده‌ی ۴ قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی از فورس ماژور مانند جنگ، سیل، زلزله نام برده است. همچنین در مواد ۲۲۷، ۲۲۹ و ۶۱۵ قانون مدنی و ماده‌ی ۳۸۶ قانون تجارت، اصطلاح مزبور به صورت تلویحی مورد اشاره قرار گرفته است.

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۸۷

موردنظر غیر قابل پیش بینی باشد که هر چند این وصف صریحا در قانون مدنی ذکر نشده است ولی می توان آن را از قانون استنباط کرد. بنابراین متعهدی که به تعهد خود عمل ننموده است برای اینکه بتواند با استناد به قوهی قاهره خود را از مسئولیت رها سازد باید وجود شرایطی را ثابت نماید که در نظامات حقوق داخلی و حقوق بین المللی آن را بدین ترتیب ذکر کرده اند: ۱- خارجی بودن حادثه. ۲- غیر قابل پیش بینی بودن حادثه. ۳- غیر قابل دفع بودن حادثه.

۶-۱-۱- خارجی بودن حادثه

با ارتکاب تقصیر از جانب متعهد نمی توان گفت که عدم اجرای تعهد به خود وی منتسب نبوده و مانع خارجی، سبب عدم اجرای تعهد گردیده است. پس منظور از خارجی بودن آن است که حادثه، خارج از متعهد و قلمرو فعالیت و مسئولیت وی باشد. این نظر، مورد قبول بیشتر علمای حقوق واقع شده است. برخی در تأیید آن گفته اند که منظور از خارجی بودن، آن است که حادثه را نتوان به نحوی منتسب به متعهد دانست. لذا هرگونه حادثه ای که قابل انتساب به متعهد نباشد و لو این که در حیطه فعالیت او رخ دهد، خارجی محسوب می شود (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۲۵) اما خارجی بودن همیشه ملازمه با عدم مداخله فعل متعهد در وقوع حادثه ندارد. به عبارت دیگر، چه بسا متعهد در عدم اجرای تعهد دخالت نداشته باشد ولی باز هم از مسئول تعهد باشد. البته با این که لزوم خارجی بودن حادثه ای که قوهی قاهره به شمار می رود، مورد قبول اکثر علما واقع شده است. در نوشته های برخی نویسندگان حقوقی بدان اشاره نشده است و فقط گفته شده که حادثه ناگهانی یا قوهی قاهره باید غیر قابل پیش بینی باشد. (سنهوری، ۱۹۶۷: ۱۳۰)

ولی به نظر می رسد که بداهت این شرط، این گونه نویسندگان را بی نیاز از ذکر آن نموده است و الا شکی نیست که قوهی قاهره به شمار می رود و بایستی قابل انتساب به متعهد نباشد. البته گاهی متعهد در عدم اجرای تعهد تقصیر دارد اما تقصیر وی آن قدر جزئی است که در مقابل مانع خارجی، بسیار ناچیز بوده و برعکس، مانع، آن چنان

۲۸۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

شدید است که تقصیر ارتكابی از جانب متعهد نادیده انگاشته می‌شود. در این صورت، عادلانه آن است که پذیرفته شود مانع خارجی از اجرای تعهد جلوگیری کرده است و تقصیر متعهد نقشی در آن نداشته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۰۶)

در همین زمینه در رویه‌ی قضایی فرانسه، دیوان تمییز این کشور موارد فوق را پذیرفته است. اما در مورد معیار خارجی بودن یک حادثه بحث و اختلاف نظر وجود دارد. طبق یک نظر، حادثه‌ی خارجی حادثه‌ای است که خارج از اراده متعهد بوده است و نمی‌توان آن را به عمد یا تقصیر وی منسوب کرد. اگر چه حادثه در حوزه فعالیت متعهد رخ داده باشد. نظر دیگر، بر این است که حادثه‌ی خارجی، حادثه‌ای است که خارج از قلمرو و حوزه فعالیت متعهد رخ داده باشد. پس اگر حادثه‌ای در محیط کار و فعالیت متعهد رخ داده و مانع اجرای تعهد گردد، این حادثه رافع مسئولیت وی نخواهد بود؛ اگر چه وی در ایجاد حادثه، هیچ گونه عمد یا تقصیری مرتکب نشده باشد. (افشارقوچانی، ۱۳۸۹: ۱۳۵)

۳-۲-۵-۲ غیر قابل پیش‌بینی بودن حادثه

برخی نویسندگان حقوق، قوه‌ی قاهره را حادثه‌ای می‌دانند که غیر قابل پیش‌بینی باشد و متعهد، قدرت بر دفع آن را نداشته باشد. (سماواتی، ۱۳۸۵: ۴۶) برخی از وصف غیر قابل احتراز سخن گفته‌اند و آن را امری می‌دانند که نمی‌توان پیش‌بینی نمود. طبق ماده‌ی ۲۲۷ ق.م. متعهد متخلف از انجام تعهد وقتی به تأدیه خسارت محکوم می‌شود که نتواند ثابت کند عدم اجرای تعهد به واسطه‌ی علت خارجی بوده که نمی‌توان مربوط به او نمود. حال در صورتی که وقوع حادثه خارجی قابل پیش‌بینی باشد و با وجود این، متعهد تعهدی را بر عهده گیرد، چگونه می‌توان گفت علت خارجی مربوط به متعهد نبوده و قوه‌ی قاهره به شمار می‌رود.

در سایر قوانین، گاهی به جای عبارت قوه‌ی قاهره از حوادث غیر منتظره یا حوادث غیر قابل پیش‌بینی سخن به میان آمده است که اثر آنها همان اثر قوه‌ی قاهره می‌باشد. به عبارت دیگر، این عبارات معادل و مترادف قوه‌ی قاهره می‌باشند. از جمله ماده‌ی ۳۴۷

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۸۹

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «هر کس چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و بر اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عمومی بیفتد و موجب خسارت گردد عهده‌دار نخواهد بود». یا ماده‌ی ۳۴۸ همین قانون مقرر می‌دارد: «هر گاه ناودان یا بالکن.. منزل و امثال آن که قرارداد آن در شارع عام مجاز نبوده، در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط نماید و موجب خسارت یا آسیب شود مالک منزل عهده‌دار نخواهد بود». بنابراین از تمام موارد مذکور برمی‌آید که شرط غیر قابل پیش‌بینی بودن حادثه برای تحقق قوه‌ی قاهره لازم می‌باشد. ملاک قابل پیش‌بینی بودن نیز زمان انعقاد قرارداد (در مسئولیت مدنی) یا زمان وقوع حادثه زیان‌بار (در مسئولیت قهری) است. همچنین برخی از نویسندگان حقوقی در زمینه غیر قابل پیش‌بینی بودن، رفتار شخص متعارف را در نظر گرفته‌اند و متعهد را در صورتی از مسئولیت معاف می‌دانند که مانع اجرای تعهد از اموری باشد که عموماً قابل پیش‌بینی نباشد و الا در صورتی که مانع، عموماً قابل پیش‌بینی بوده ولی متعهد بر اثر اهمال یا بی‌احتیاطی یا بی‌تجربگی آن را پیش‌بینی نکرده باشد، مسئول خسارات وارده ناشی از عدم انجام تعهد می‌باشد. زیرا اهمال کاری، بی‌احتیاطی و به طور کلی، تقصیر متعهد نباید موجب تضرر متعهدله گردد. (امامی، ۱۳۷۲: ۲۴۲)

۶-۱-۲- غیر قابل اجتناب بودن حادثه

در ماده‌ی ۲۲۹ ق.م. آمده است: «.. دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست». لذا خارجی بودن حادثه کافی برای رفع مسئولیت متعهد نمی‌باشد. حادثه خارجی در صورتی قوه‌ی قاهره به حساب می‌آید که نتوان آن را خنثی نمود یا از تأثیر آن جلوگیری کرد؛ و الا هرگاه بتوان جلوی حادثه را گرفت، حادثه، قوه‌ی قاهره به شمار نمی‌رود و اگر با وجود چنین حادثه‌ای متعهد به تعهد خود عمل ننماید، مقصر است و مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد. زیرا دفع حادثه قابل اجتناب از مقدمات انجام تعهد بوده و مانند اجرای تعهد بر متعهد لازم می‌باشد. برخی از وصف غیر قابل

۲۹۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

مقاومت سخن به میان آورده‌اند و گفته‌اند برای اینکه متعهد بتواند به قوهی قاهره به عنوان عذر موجه استناد کند، باید ثابت نماید که به علت حادثه‌ای که خارج از اختیار وی و غیر قابل مقاومت بوده اجرای تعهد برای او غیر ممکن شده است. علمای دیگر حقوق نیز وجود این وصف را برای تحقق قوهی قاهره لازم دانسته‌اند. (سنهوری، ۱۳۸۵: ۲۱) در تمییز غیر قابل دفع بودن حادثه، برخی، توان متعهد را ملاک عمل قرار داده‌اند. (امامی، ۱۳۷۲: ۲۴۲) طبق این نظر همین که متعهد قادر به دفع حادثه خارجی نباشد و بدین سبب به تعهد خود عمل ننماید، مسئولیتی متوجه وی نخواهد بود. اگر چه اشخاص دیگری غیر از متعهد توان دفع و اجتناب از حادثه را داشته باشد. برخی دیگر، عقیده دارند که در حقوق فرانسه پذیرفته شده است که حادثه‌ای که مانع اجرای تعهد می‌گردد، باید مطلقاً قابل اجتناب نباشد. یعنی هیچ کس قادر به پرهیز از حادثه خارجی نباشد. لذا اگر فقط متعهد نتواند حادثه را دفع کند ولی دیگران بتوانند از آن پرهیز نمایند، چنین حادثه‌ای قوهی قاهره به شمار نمی‌رود.

استناد به ظاهر ماده‌ی ۲۲۹ ق.م. منجر به نتایج غیر عادلانه‌ای خواهد شد. زیرا در صورتی که توان متعهد، ملاک قابل دفع بودن یا نبودن حادثه قرار گیرد، در مورد یک تعهد برای شخص توانا تر مسئولیت بیشتری به وجود خواهد آمد. به عبارت دیگر، پذیرش این نظر موجب می‌شود که چنانچه یک تعهد را شخص ضعیفی بر عهده گیرد، مسئولیت کمتری داشته باشد. در حالی که اگر همان تعهد را شخص توانا تر بر عهده گیرد، مسئولیت او بیشتر خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۱۶) پس برای پرهیز از چنین بی‌عدالتی باید از ظاهر ماده‌ی ۲۲۹ ق.م. گذشت. حادثه خارجی در صورتی قوهی قاهره، و رافع مسئولیت است که دفع آن توسط انسانی متعارف ممکن نباشد

۲-۶- قوهی قاهره و رفع مسئولیت مدنی کارفرما

در اهمیت قوهی قاهره باید گفت: مسئولیت کارفرمایان در مورد ضرر و زیان ناشی از عملکرد کارگران در حین انجام وظیفه، به مقتضای اصل شرعی و عرفی «کلکم مسئول عن رعیتة» است. زیرا مسئول کارگاه، مؤسسه‌ی تجاری یا صنعتی، حُسن اجرای

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۹۱

امور و حفاظت از اموال خود و امانی را برعهده دارد و او مسئول جبران اضرار به غیر است. همچنین استقرار ضمان برعهده‌ی کارفرمایان در مورد زیان‌های غیرتقصیری کارگران موجب دقت عمل بیشتر کارفرمایان مسئول خواهد بود و این قاعده شامل کسانی است که تحت امر دیگری بوده و به دستور وی کار انجام می‌دهند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۵۳)

قوه‌ی قاهره شاید به دو صورت در ورود خسارت نقش داشته باشد:

۱. علت منحصر وقوع حادثه زیان بار و خسارت بوده؛ به طوری که تمام خسارت، قابل انتساب به آن است و عوامل انسانی در ایجاد خسارت دخالتی ندارند؛
۲. یکی از اسباب ورود خسارت بوده و عوامل دیگر نیز در حصول نتیجه دخیل هستند.

در هر یک از این دو حالت، قوه‌ی قاهره تأثیر ویژه بر رفع مسئولیت دارد. بنابراین باید هر یک از آن دو را جداگانه بررسی کرد.

۶-۲-۱- قوه‌ی قاهره، علت منحصره‌ی ورود خسارت

در صورتی که ثابت شود خسارت و زیان منحصراً در نتیجه‌ی قوه‌ی قاهره به بار آمده و فعل عامل به هیچ درجه‌ای در حصول آن اثرگذار نبوده است، مسئولیت عامل زیان به پرداخت خسارت منتفی می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۹۰) به عنوان مثال، اگر کارگری در حین انجام کار یا به مناسبت آن به مقدار متعارف آتش روشن کند و علم و ظن به سرایت آتش به املاک مجاور نداشته باشد، اما آتش به طور اتفاقی در اثر وزش ناگهانی باد به ملک مجاور سرایت کند، برای او ایجاد مسئولیت نمی‌کند. (ماده‌ی ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی).

این حکم در موردی که قانون‌گذار، مسئولیت عامل را مفروض دانسته باشد نیز، جریان دارد. زیرا در این صورت معلوم می‌شود که عامل در ایجاد ضرر دخالت نداشته است.

۲۹۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

به طور مثال: کارگر، کامیون حامل مصالح ساختمانی را در مکان مناسبی پارک کرده اما بر اثر رعد و برق، کامیون آتش گرفته یا به وسیله‌ی سیل یا زلزله جابجا شده و به منزل همسایه آسیب می‌رساند. در اینجا چون ورود ضرر بر اثر قوه‌ی قاهره بوده عامل زیان مسئول نیست.

بنابراین در صورتی که قوه‌ی قاهره علت منحصره حادثه‌ی زیان بار باشد، در این صورت بدون هیچگونه تردیدی کارفرما معاف از جبران خسارت می‌شود هر چند از سوی مقنن ما مسئولیت کارفرما مفروض دانسته شده اما با اثبات این که علت منحصر ورود زیان، قوه‌ی قاهره بوده، کارفرما مسئول نیست. (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۶: ۲۱۸)

۶-۲-۲- قوه‌ی قاهره: یکی از اسباب ورود خسارت

در صورتی که قوه‌ی قاهره در عداد اسباب ورود خسارت قرار گیرد شاید به جز آن، یک یا چند سبب دیگر نیز در ایجاد خسارت دخالت اثرگذار داشته باشند. در این صورت سبب دیگر می‌تواند تقصیر خوانده، تقصیر زیان دیده یا فعل شخص ثالث باشد. در تمامی این اشکال قوه‌ی قاهره که عاملی طبیعی و غیرانسانی است در کنار سایر اسباب خسارت که عامل انسانی هستند قرار می‌گیرد و از جهت ملاک تأثیر، تفاوتی بین موارد یادشده وجود ندارد.

باید یادآور شد شخصی که به قوه‌ی قاهره استناد می‌کند، نقش مدعی را بازی می‌کند و بنابر قاعده‌ی البینه علی المدعی بار اثبات وضعیت فورس ماژور به عهده‌ی خود او خواهد بود. به همین علت این کارفرما است که بایستی ثابت نماید یک علت خارجی که دفع آن برای او مقدور نبوده مانع از انجام وظیفه کارگر شده تا از زیر بار مسئولیت رها شود. البته اگر متضرر مدعی شود که پیدایش شرایط فورس ماژور ناشی از تقصیر کارفرما بوده، دیگر اثبات عدم تقصیر برعهده‌ی وی نبوده و این خود متضرر می‌باشد که باید اثبات کند تقصیری از جانب کارفرما رخ داده و یا این که علاج واقعی یادشده قبل از وقوع در توان وی بوده و با این حال اقدامات لازم را معمول نداشته است. (نیک فرجام، ۱۳۹۲: ۱۹۵)

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۹۳

نتیجه گیری

در حقیقت مسئولیت کارفرما در دو بخش قابل بررسی و بحث می باشد، نخست مسئولیت کارفرما و عوامل آن در کارگاه معدن در مقابل خسارت‌ها، صدمات و زیان‌هایی که به کارگر تحمیل می‌گردد و دوم مسئولیت کارفرما و سرپرست کارگاه در برابر خسارت‌هایی است که از سوی کارگر به اشخاص ثالث وارد می‌شود.

قانون کار حمایت از کارگر را بعنوان طرف ضعیف در اولویت تصویب قرار داده است. همچنین مسئولیت مدنی، دستورالعمل حفاظت فنی و آیین‌نامه ایمنی در معادن مسئولیت بیشتر را برای کارفرما متصور شده و در حمایت از کارگر قوانینی را مصوب نموده است. البته این حمایت علاوه بر کارگر شامل اشخاص ثالثی شده است که ممکن است در برخورد با حادثه معدن آسیب ببینند مانند افراد عبوری یا حاضر در صحنه. در این مورد همان گونه که اشاره شد چنانچه از سمت کارگر خسارتی بر شخص ثالث وارد آید و خواهان جبران خسارت باشد، طبیعی است که توان جبران خسارات وارده توسط کارگر وجود ندارد بنابراین قانون در این مورد می‌بایست کارفرما را بعنوان مسئول جبران خسارت تعیین نموده سپس در برخی شرایط خاص کارفرما می‌تواند تقصیر کارگر را اثبات نماید و پس از جبران خسارت به کارگر رجوع نماید.

در حوادثی که برای کارگر معدن پیش می‌آید و سبب بروز خسارت و آسیب به وی می‌شود علی‌الاصول مسئولیت بر عهده کارفرما است. البته این حوادث ممکن است مستقیم در ارتباط با کارفرما باشد یا اینکه شخص سرپرست کارگاه به نمایندگی از سوی کارفرما مسئول شناخته شود که قانون گذار در هر دو صورت کارفرما را مسئول جبران خسارت می‌داند و جهت اطمینان و حمایت از جبران خسارت اعلام می‌دارد که کارفرما مکلف به بیمه نمودن کارگران تحت عنوان مسئولیت مدنی و جبران خسارت‌ها می‌باشد.

در حوادث ناشی از کار در معدن اثبات تقصیر کارفرما شرط نیست و همانگونه که کارفرما از فعالیت کارگر سود می‌برد، زیان وارده را نیز می‌بایست بپردازد. سرپرست

۲۹۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

کارگاه که از سوی کارفرما تعیین شده است به میزان تقصیری که مرتکب شده و موثر در وقوع حادثه بوده، مسئول شناخته خواهد شد اما این موضوع رافع مسئولیت کارفرما نخواهد بود و ابتدا کارفرما نسبت به جبران خسارت اقدام نموده و سپس با مراجعه به مسئول حادثه از وی تقاضای جبران خسارت می‌نماید.

البته در برخی موارد موضوعی فراتر از تقصیر کارفرما ممکن است متصور باشد یعنی کارفرما با وجود اینکه رعایت تمام نکات ایمنی را لحاظ نموده و آموزش‌های لازم را داده است اما خسارتهایی نیز وارد شده است که در این صورت کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت. طبق تبصره ۲ ماده ۹۵ قانون کار چنانچه کارفرما امکانات لازم را برای حفاظت فنی و بهداشت کار در اختیار کارگر قرار دهد و آموزش‌های لازم را به ایشان داده باشد اما کارگر به دستورالعمل‌ها و مقررات توجه ننماید و از آنها استفاده نکند دیگر کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت و شخص کارگر مسئول خواهد بود.

موردی دیگر که قابل فرض است مسئولیت توأم کارگر و کارفرما است که کارفرما به تسبیب و کارگر به مباشرت و هر کدام به نسبت تاثیر خود مسئول خواهد بود بعنوان مثال کارگر با وجود اینکه تمام آموزش‌های لازم را دیده و تمام دستورالعمل‌ها به وی تذکر داده شده و سالیان متمادی در انجام امور متبحر شده است ولی با یک مسامحه موجب خسارت به خود یا دیگران می‌گردد و از طرف دیگر کارفرما نیز لوازم ایمنی کافی را در اختیار کارگر قرار نداده است.

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از فعالیت های معدنی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی.....۲۹۵

منابع

۱. احمدوند، ولی الله (۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی کارفرما در سیستم حقوقی ایران و انگلیس، مجله: مصباح، شماره ۶۱.
۲. افشار قوچانی، زهره (۱۳۸۹)، «قوه قاهره و مسئولیت مدنی»، مجله: کانون، شماره ۱۱۳.
۳. امامی، حسن (۱۳۷۲)، حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ص ۲۴۲.
۴. بادینی، حسن؛ اسلامی پناه، علی؛ مقصودی، فرشته (۱۳۹۱)، «مسئولیت کارفرما در قبال کارگر در حوادث کار»، مجله: کار و جامعه، شماره ۱۵۳.
۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان.
۶. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱)، ضمان قهری، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق.
۷. بهرامی احمدی، حمید؛ آقاعباسی، رضا (۱۳۹۲)، «بیمه‌ی مسئولیت مدنی کارفرما در مقابل خسارات کارگران در حقوق اسلامی ایران»، مجله: اندیشمندان حقوق، شماره ۳.
۸. خزائلی، محمد (۱۳۳۹)، مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر، تهران، انتشارات موسوی.
۹. سماواتی، حشمت‌ا... (۱۳۸۵)، خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی دیگر، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات خط سوم.
۱۰. سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۵)، الوسیط فی شرح القانون مدنی، ترجمه رضا میر تاجی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. صفایی، حسین (۱۳۶۴)، قوه قاهره یا فورس ماژور (بررسی اجمالی در حقوق تطبیقی و حقوق بین‌الملل و قراردادهای بازرگانی بین‌المللی)، مجله: حقوقی بین‌المللی، شماره ۳، ص ۱۲۵.

۲۹۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، موجبات ضمان، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۳. عیسایی تفرشی، محمد (۱۳۸۶)، «تأثیر همراهی قوه‌ی قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، تهران، شماره ۴، ص ۲۱۸.
۱۴. قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۷)، مبانی مسئولیت مدنی، انتشارات دادگستر.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، وقایع حقوقی، تهران، نشر انتشار.
۱۸. لوراسا، میشل (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدانان، ص ۷۹.
۱۹. نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲)، «تأثیر قوه‌ی قاهره بر رفع مسئولیت کارفرما»، مجله: پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۳، ص ۱۹۵.
۲۰. Francis Raleigh batt (۱۹۳۹), the law of master and servant. Third edition, p. ۱۴۵.